

بررسی عملکرد مدرسه اتحاد ملی ایرانیان در بحرین در فاصله سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۳۵ ه‍.ش بر پایه اسناد ساواک

● نوشین صباغیان

۱۰۷

چکیده

مجمع‌الجزایر بحرین، از آغاز پیدایش امپراتوری ایران بخشی از قلمرو این امپراتوری بوده است. از اوایل قرن نوزدهم، همزمان با تضعیف دولت ایران و ورود اعراب بنی‌عتوب (آل خلیفه) از شبه‌جزیره عربستان به بحرین و تسلط انگلستان بر سواحل و بنادر حاشیه جنوبی خلیج فارس و با دسیسه و توطئه این دولت روند جدایی بحرین از ایران آغاز شد و روز بروز شدت گرفت؛ به گونه‌ای که عملاً در نیمه دوم قرن نوزدهم، حاکمیت عملی ایران بر بحرین از دست رفته بود. اما ایرانیان وطن‌پرست بحرینی تلاش می‌کردند به هر وسیله‌ای که شده فرهنگ و زبان فارسی و همبستگی ملی ایرانیان جزیره را حفظ کنند. تأسیس مدرسه اتحاد ملی ایرانیان در بحرین در سال ۱۳۰۱ ه‍.ش از سوی میرزا ابوالقاسم شیرازی و پسرش میرزاعباس و عده‌ای از ایرانیان از جمله همین تلاش‌ها بود.

تأسیس مدرسه اتحاد ملی ایرانیان در بحرین

ایرانیان مقیم بحرین که از دیرباز از جدایی پاره‌ای دیگر از خاک وطن ناراضی بودند، برای زنده نگه داشتن فرهنگ و زبان پارسی در حوزه خلیج فارس به ویژه بحرین دست به تلاش‌های بی‌نظیری زدند. از جمله این تلاش‌ها تأسیس مدارس پارسی‌زبان در بحرین برای زنده نگه داشتن و احیای زبان و فرهنگ باستانی ایران بود. از سردمداران این نهضت عظیم مرحوم ابوالقاسم شیرازی معروف به ایرانی بود که در سال ۱۳۰۱ ه‍.ش مدرسه «اتحاد ملی ایرانیان» را در بحرین تأسیس کرد.^{۲۱} این دبستان که به کمک ایرانیان وطن‌دوست برای تعلیم اطفال ایرانی و آشنا

ساختن آنان با تاریخ وطن عزیز در بحرین تأسیس شده بود،^{۲۲} در ساختمان و زمینی به طول در حدود ۱۷۵ فوت و عرض ۷۷ فوت در یکی از محلات شهر منامه واقع شده بود.^{۲۳} سند مالکیت این مدرسه پس از فوت مرحوم حاج ابوالقاسم شیرازی، به نام فرزندش میرزاعباس ایرانی شد و مدرسه بیش از ۴۰ سال و از حدود سال ۱۳۰۶ ه.ش به سرپرستی او و مدیریت اسدالله اسیری اداره می‌شد. تعداد آموزگاران دبستان اتحاد ملی ۸ نفر و به همراه یک نفر مستخدمه و تعداد دانش‌آموزان بین ۱۸۰ تا ۳۰۰ نفر متغیر بود.^{۲۴}

عملکرد مدرسه طی سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۳۵

تا سال ۱۳۳۵ ه.ش عمده‌ترین مشکل مدرسه کمی بودجه و در نتیجه آن کمی حقوق آموزگاران بود؛ چرا که اعانه کمی که از اداره فرهنگ به صورت مخفیانه و توسط رابط بین اداره و مدرسه یعنی عبدالنبی ایرانی، داماد و پسرعموی عباس ایرانی پرداخت می‌شد، کفاف اداره مدرسه و پرداخت حقوق آموزگاران را نمی‌کرد. در عین حال شهریه بسیار کمی از دانش‌آموزان دبستان گرفته می‌شد و معمولاً عده زیادی از دانش‌آموزان از پرداخت شهریه معاف بودند. مشکلات ناشی از پرداخت اعانه، که معمولاً با تأخیرهای چند ماهه داده می‌شد، بارها مدرسه را تا سرحد تعطیلی کشانید.

این بحران در سال ۱۳۳۵ ه.ش به حدی پیش رفت که عبدالحسین فرزاد، مدیر وقت دبستان، در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۳۵/۴/۱۴ به وزیر وقت فرهنگ، دکتر مهران، از دستور اداره فرهنگ بوشهر در ارتباط با تنظیم بودجه مدرسه با اعانه سالیانه وزارت و درآمدهای محلی، گله کرد و در ادامه از میزان اهمیت مدرسه در نگهداری از زبان و آداب و رسوم ملی، شرایط محلی بحرین و سعی حکام بحرین در ترویج زبان عربی و انگلیسی به جای زبان فارسی و شدت عملی که در این مورد به خرج می‌رفت، سخن گفت.^{۲۵} اما رئیس فرهنگ بوشهر در پاسخ به این نامه‌نگاری‌ها اعلام کرد به جهت این که مبالغ ارسالی جهت مدرسه از سوی وزارت فرهنگ با انقضای سال مالی مواجه شده، لذا فرهنگ بوشهر آن را برگشت داده و در پاسخ به تجدید تقاضای حواله توسط اولیاء مدرسه این کمک مجدد را غیرضروری شمرده است.^{۲۶} نماینده مدرسه‌ای که مدت ۳۵ سال در محیط بسیار مهمی برای اعتلای نام ایران و احیای زبان فارسی انجام وظیفه می‌کرد، ضروری دانست که برای مقابله با سایر مدارس عربی که با بودجه هنگفت محلی اداره می‌شوند، بودجه لازم تأمین شود. وی در ادامه ضمن ذکر کارشکنی‌های آقای ابطحی رئیس فرهنگ بوشهر در پرداخت حواله‌جات مدرسه اعلام کرد اولیاء مدرسه توسط خارجی‌هایی که در بحرین حاکم هستند در مضیقه قرار دارند و در صورت ادامه این روند امکان تعطیلی مدرسه می‌رود که در این صورت تجدید حیات آن به هیچ‌وجه میسر نخواهد شد.^{۲۷} اما رئیس فرهنگ بوشهر، در پاسخ به

بررسی عملکرد مدرسه اتحاد ملی ایرانیان در بحرین...



عکس شاگردان دبستان اتحاد ملی بحرین در تاریخ ۱۳۱۶/۲/۲۶ از طرف دبستان تقدیم آقای اقامیرزا عبدالرسول ایرانی می شود
دوازدهمین سال تأسیس مدرسه اتحاد ملی ایرانیان در بحرین

وزارت فرهنگ با ابراز نارضایتی از اداره نامنظم مدرسه و شکایت اولیاء دانش‌آموزان از این امر، کمک سالیانه اداره فرهنگ بوشهر را که در حدود ۱۴۷۶۰۰ ریال بود، همراه با شهریه دانش‌آموزان (۱۲۶۰۰۰ ریال در سال) برای اداره مدرسه کافی خواند؛ و اجازه خواست یک نفر از کارمندان مورد اعتماد را به عنوان بازرس برای سرکشی به مدرسه بحرین، بدانجا بفرستد تا پس از برآورد هزینه‌ها از نزدیک، وجوه اعتباری اضافه صرف هزینه‌های شهرستان‌های بوشهر بشود.^{۲۸}

در مقابل ناظم دبستان اتحاد ملی، ابوالفتح ضیائی نژاد، در دو نامه جداگانه به وزیر فرهنگ، و حسابداری فرهنگ تهران، ضمن درخواست پرداخت کمک‌های معوقه از آبان ۱۳۳۵ و اعلام امکان خطر تعطیلی مدرسه، مدرسه را «یگانه آثار ملیت و قومیت ایران» خواند که تعطیلی آن «باعث سرشکستگی عموم ایرانیان مقیم جزیره خواهد بود بلکه زحمات و از خودگذشتگی‌های کسانی که سالیان دراز با صرف جان و مال به حفظ این آثار ملی کوشیده‌اند به هدر خواهد رفت و چندی نخواهد گذشت که حتی زبان ایرانی هم از این خطه محو و نابود خواهد گردید».^{۲۹}

سرانجام رئیس حسابداری اداره فرهنگ تهران به اداره فرهنگ بوشهر دستور تحقیق دقیق در باب مدرسه، تعداد دانش‌آموزان، کلاس‌ها، حقوق و مزایای معلمین و نحوه تأمین مدرسه و این که آیا دبستان نیاز به مساعدت مالی وزارت فرهنگ را دارد یا خیر، را داد.^{۳۰}

۱۱۰

ابطحی، رئیس اداره فرهنگ بوشهر هم سیدمحمدصادق یزدانی راهنمای فنی آموزشگاه‌ها را مأمور کرد که ضمن بازدید از مدرسه و رسیدگی به امور محاسباتی و برآورد هزینه‌ها، از کلیه جزئیات گزارش جامعی تهیه و تسلیم نماید.^{۳۱} در تاریخ ۱۳۳۶/۱/۹ بالاخره رئیس کل حسابداری فرهنگ تهران به اداره فرهنگ بوشهر دستور پرداخت معوقه مدرسه اتحاد را داد^{۳۲} اما این پرداخت، نیز همچنان عقب افتاد و ابطحی در ۱۳۳۶/۲/۱۰ برکنار شد. بنابراین عباس ایرانی و هیأت مؤسس دبستان بار دیگر تقاضای پرداخت اعانات معوقه دبستان را از اداره کل حسابداری کردند.^{۳۳}

تغییر رئیس فرهنگ بوشهر، تغییری در اوضاع پدید نیامد و عباس ایرانی که مدرسه را در خطر سقوط می‌دید در نامه‌ای ضمن عرض تبریک و خیرمقدم به رئیس جدید، محمدعلی جناب، درخواست‌های گذشته خود را مجدداً تکرار کرد و هشدارهای سابق مبنی بر خطر تعطیلی مدرسه را متذکر شد.^{۳۴} جناب، میرزا عباس ایرانی را مصمم می‌دید که «در صورت نرسیدن اعانه دبستان فوق را تعطیل کند و اگر واقعاً تعطیل دبستان اتحاد ملی در بحرین اعلام گردد افتتاح مجدد آن با وضع سیاسی موجود به کلی امکان‌پذیر نیست و باز هم با توجه به این که ادامه کار این دبستان صد در صد به نفع دولت بوده و وجود آن در بحرین کاملاً ضروری است و باید هر طوری هست از تعطیلی دبستان فوق جلوگیری شود»، از وزارت فرهنگ درخواست کرد علی‌الحساب مساعده‌ای به حساب مدرسه واریز شود و بعداً نیز تحقیقات مفصلی در خصوص مدرسه انجام دهد.^{۳۵} در پاسخ

بررسی عملکرد مدرسه اتحاد ملی ایرانیان در بحرین...



عکسی از سال‌های اولیه تشکیل مدرسه ایرانیان

به جناب، رئیس اداره حسابداری فرهنگ اعلام داشت که دیون مدرسه اتحاد که تماماً از خزانه دارایی حواله شده باید به مدرسه پرداخت گردد.^{۳۶} اما حسابداری بوشهر به بهانه این که سال مالی به اتمام رسیده، پرداخت معوقه‌ها را غیرمقدور شمرد.^{۳۷}

این قبیل اشکال تراشی‌ها از سوی اداره فرهنگ بوشهر سبب شد که عباس ایرانی در نامه‌ای به رئیس حسابداری ضمن شکایت از جناب اعلام کند «دبستان اتحاد ملی مؤسسه دولتی نبوده که تابع مقررات خاص به سایر بنگاه‌های دولتی بوده باشد این دبستان از بدو بنیانگذاری ملی بوده و به ملیت خود باقی و دارای هیأت مؤسسه‌ای است که بر کلیه امور آن نظارت دقیق و کامل دارند فقط قسمت مجزایی از بودجه‌ای به عنوان کمک مالی در بست ماهیانه وزارت فرهنگ مرحمت می‌فرمایند و بقیه بودجه و هزینه‌های مستمری [را] خود مؤسسين تأمین می‌نمایند.» وی ضمن اعتراض به درخواست سند از طرف حسابداری بوشهر اعلام کرد «... دبستان، افتتاح و آموزگاران به وظیفه خود اشتغال دارند ولی متأسفانه باید به عرض برسانیم که تاکنون سه ماه سر رسیده است و حقوق‌بگیران دبستان به دریافت حقوق حقه خود نرسیده و ماه چهارم هم شروع شده ...»^{۳۸} اما محمدعلی جناب در پاسخ به عباس ایرانی اعلام کرد «... اینجناب در تمام دوره تصدی خود کوشیده است منتهای حسن نیت خود را در کلیه امور به اهالی محترم بوشهر ثابت کند در مورد دبستان اتحاد بحرین که از سال‌ها پیش با کمک ایرانیان فداکار مقیم بحرین و همت ابوی محترم شما و گذشت‌های حضرتعالی تأسیس و اداره شده اینجناب روی وظیفه ملی و فرهنگ‌دوستی و عرق بوشهری که در خود سراغ دارم هیچ‌گونه سوءنظری ندارم.» وی در ادامه علت عدم پرداخت‌ها را به جهت مقررات و نه کارشکنی رؤسای وقت ذکر می‌کند: «اینجناب با قبول مسئولیت خطیری که به عهده دارد حاضر شده طی ابلاغ رسمی میزان اعانه دبستان را تا ماهی ۵۰,۰۰۰ ریال بالا ببرد و بالنتیجه مبلغ ۳۰۰,۰۰۰ ریال بابت اعانه شش ماهه اخیر از فروردین ۱۳۳۶ تا پایان مهر ۱۳۳۶ به وکیل حضرتعالی تحویل نموده است... در شرایط کتونی حفظ زبان پارسی و تمدن ایرانی و آشنا ساختن اطفال آن سامان به مفاخر ملی ایران و ایجاد حس خوش‌بینی نسبت به دولت و تمدن ایرانی و آشنا ساختن اطفال آن سامان به مفاخر ملی ایران و ایجاد حس خوش‌بینی نسبت به دولت و تقویت حس میهن‌پرستی... همه و همه به عهده مؤسسين محترم دبستان اتحاد ملی گذارده شده است...». او سپس از آقای ایرانی درخواست کرد که با انتخاب ۵ نفر از ایرانیان مقیم با اکثریت آراء، اسناد و مخارج مؤسسه را به امضای این افراد رسانده تا جلوی هرگونه سوءتفاهم گرفته شود.^{۳۹} اما محمدعلی جناب با این که ضمن مذاکره با نماینده عباس ایرانی و برخی بازرگانان و محترمین مقیم بحرین وعده اصلاح وضع دبستان اتحاد ملی و همکاری با ایرانی و بالا بردن بودجه مدرسه را می‌داد،^{۴۰} در مکاتبه با وزارت فرهنگ طور دیگری سخن می‌گفت: «به علت عدم پیروی از مقررات

بررسی عملکرد مدرسه اتحاد ملی ایرانیان در بحرین...

از طرف سرپرست مزبور (عباس ایرانی) و عدم ارسال بودجه مربوط از طرف وزارت فرهنگ وضع به خصوصی پیدا کرده که به هیچ وجه قابل قبول نیست».^{۴۱} این امر منجر به بروز اختلاف مابین میرزاعباس ایرانی و محمدعلی جناب شده بود.^{۴۲}

عملکرد مدرسه در سال ۱۳۳۷

دامنه این اختلافات تا سال ۱۳۳۷ هم ادامه داشت. بروز این اختلاف میان این دو سبب شد که عباس ایرانی از مسافرت به ایران به شدت واهمه داشته باشد؛ وی هم از مقامات حکومتی بحرین هراسان بود و هم از فعالیت‌های مخفیانه آقای جناب بر علیه خودش بیم داشت.^{۴۳} اما وضعیت بحرانی مدرسه و ساختمان آن که به شدت مخروبه بود موجب شده بود که حتی حکومت بحرین هم مبلغی پول به جهت تعمیر مدرسه بپردازد که البته عباس ایرانی از ترس این که مبادا دولت بحرین مدرسه را تصرف کند حاضر به پذیرفتن این مبلغ نشد.^{۴۴} بنابراین لازم بود که وی به تهران برود و در باب مشکلات مدرسه و بازسازی ساختمان آن با مسئولان بالاتر فرهنگ گفت‌وگو کند. مشکلات مدرسه به حدی رسیده بود که بیم آن می‌رفت که دانش‌آموزان ایرانی به مدارس عربی جلب شوند.^{۴۵}

۱۱۳

دبستان وضع اسفباری به خود گرفته بود و محصلین آن هر سال رو به تقلیل بودند.^{۴۶} برای حل این مشکل و با توجه به این که فصل تابستان آغاز و مدرسه تعطیل شده بود، قرار بر این شد که شخصی به همراه عبدالرسول ایرانی به کویت اعزام و میرزاعباس ایرانی نیز به کویت مسافرت کند و در منزل آقای محمدصالح بهبهانی با هم ملاقات و در ارتباط با مشکلات مدرسه گفتگو کنند.^{۴۷} مدیرکل اداره دوم ساواک نیز با این پیشنهاد موافق بود و قرار شد در صورت خودداری عباس ایرانی از آمدن به تهران با وی در کویت مذاکره شود.^{۴۸} پیشنهاد شد که هیأت اعزامی متشکل از عبدالرسول ایرانی، آقای خبیری و آقای محمدعلی جناب باشد، اما با توجه به اختلاف نظر میان محمدعلی جناب و عباس ایرانی، تصویب شد «به منظور اطلاع از اوضاع و همفکری با نماینده وزارت فرهنگ آقای دکتر تاج‌بخش نیز جزء هیأت اعزامی باشد».^{۴۹} وزیر فرهنگ، یزدانفر نیز، آقای مزینی معاون ثابت وزارت فرهنگ را برای اعزام به کویت مأمور کرد.^{۵۰} بالاخره آقای خبیری روز دوشنبه ۳۷/۸/۱۹ به کویت عزیمت کرد و در صحبتی تلفنی با عباس ایرانی در بحرین، از او خواست به کویت برود. در ملاقات کویت عباس ایرانی عنوان می‌کرد که اعزام هیأتی متشکل از چند نفر از تهران به کویت برای مذاکره با وی موجب اطلاع یافتن حکومت بحرین و انگلیسی‌ها می‌شود و این امر در آینده برای مدرسه تولید اشکال می‌کند. وی در این ملاقات درخواست کرد وزارت فرهنگ تنها یک نفر را برای مذاکره با وی مأمور کند.^{۵۱} در پاسخ به این درخواست قرار

شد آقای بهبهانی مجدداً میرزاعباس ایرانی را به کویت دعوت کند و به محض ورود عباس ایرانی به کویت بلافاصله تنها آقای مزینی به همراه آقای جناب به کویت اعزام شوند.^{۵۲} میرزاعباس ایرانی ضمن اعلام موافقت با این پیشنهاد، درخواست کرد اعانه پنج‌ماهه از آبان تا اسفند ۳۶ را ارسال کنند تا بتواند قبل از سفر سر و صورتی به وضع مدرسه بدهد.^{۵۳} اما این ملاقات که قرار بود در آذرماه ۱۳۳۷ ترتیب داده شود به سبب نرفتن آقای ایرانی به کویت تشکیل نشد.^{۵۴}

عملکرد مدرسه طی سال ۱۳۳۸

در فروردین سال ۱۳۳۸ یوسف بهبهانی، تاجر معروف ایرانی مقیم کویت، و فرزندش یعقوب به بحرین مسافرت کرده پس از بازدید از مدرسه از وضع اسفبار آنجا متأثر شدند و مبلغ ۱,۶۰۰,۰۰۰ ریال برای تعمیر ساختمان مدرسه به میرزاعباس ایرانی پرداخت کردند.^{۵۵} اما تا اواخر سال ۳۸ میرزاعباس ایرانی برای تعمیر مدرسه نکرد. در خرداد سال ۳۸ میرزاعباس ایرانی در قطر ملاقاتی با محمد عقیل خنجی و آقای خبیری داشت. در این ملاقات وی عنوان کرد که از آمدن به تهران هراس دارد، زیرا به او گفته شده به محض رسیدن به تهران دستگیر و زندانی خواهد شد. اما آقای خبیری نماینده فرهنگ توانست وی را قانع کند که این قبیل سنگ‌اندازی‌ها از طرف مخالفین است که خواهان نیامدن او به تهران و وزارت فرهنگ هستند و به وی پیشنهاد داد به عنوان زیارت مشهد سفری به تهران نماید.^{۵۶}

اختلاف میان محمدعلی جناب و میرزاعباس ایرانی کمافی‌السابق ادامه داشت تا این که در دی‌ماه ۳۸ محمدعلی جناب سفری به قطر کرد و در آنجا سعی کرد با میرزاعباس ایرانی ملاقاتی نماید تا در جهت مصالح مدرسه گفتگو کنند.^{۵۷} در این ملاقات محمدعلی جناب سعی در رفع کدورت‌های سابق کرد و قول مساعدت برای تعمیر ساختمان مدرسه را به میرزاعباس ایرانی داد.^{۵۸} محمدعلی جناب خود در گزارش محرمانه‌ای که به وزارت فرهنگ در ۳۹/۱/۲۸ ارسال می‌دارد، عنوان می‌کند «در نتیجه این دیدار کلیه کدورت‌های نامبرده مرتفع گردید و به حسن نیت اینجانب وقوف کامل حاصل نمود... راجع به مرمت ساختمان دبستان مطالعه و مذاکره شد و بالاخره به طور خلاصه باید به عرض برساند که از این به بعد گردانندگان آن دبستان از اوامر مربوطه اطاعت خواهند نمود... این ملاقات روی هم رفته بسیار ارزنده بود». وی همچنین بودجه‌ای اضافی برای تعمیر و تهیه وسایل موردنیاز مدرسه منجمله میز و نیمکت، یخچال برقی و یک دستگاه استیشن فولکس واگن را از وزارتخانه تقاضا نمود.^{۵۹} پس از این دیدار شرایط به کلی تغییر کرد و میرزاعباس ایرانی حاضر شد بدون ترس از توقیف به ایران بیاید، ساختمان مدرسه را مرمت کند و کادر جدیدی برای مدرسه انتخاب کند.^{۶۰}

عملکرد مدرسه در سال ۱۳۳۹

در اوایل سال ۱۳۳۹ مشکل تازه‌ای گریبانگیر دبستان اتحاد ملی ایرانیان در بحرین شد. دولت بحرین «تصمیم گرفته مدرسه ایرانی بحرین را که وضع ساختمان آن بسیار اسفناک و مخروبه گردیده جزو مدارس عربی نماید و معلمین مربوطه را نیز خود حکومت انتخاب و به طور کلی مانند سایر مدارس عربی در آنجا زبان عربی تدریس گردیده و زیر نظر مستقیم قرار دهد».^{۶۱} از سوی دیگر با برقراری روابط فرهنگی میان مصر و بحرین شمار زیادی از آموزگاران مصری به بحرین آمدند؛ اینها در حقیقت مجریان نقشه‌ها و سیاست‌های فرهنگی جمال عبدالناصر بودند؛ احتمالاً در نتیجه سیاست‌های جدید فرهنگی بود که از ورود شاگردان ایرانی به مدارس جلوگیری می‌شد و شاگردان در مدرسه حق تکلم به زبان فارسی را نمی‌داشتند و حتی اگر شاگردان ایرانی رتبه اول را کسب می‌کردند از اعزام به لندن یا قاهره محروم می‌شدند.^{۶۲} این وضعیت باعث شده بود عده‌ای در نظر داشته باشند فرزندان خود را از مدرسه فراخوانده و به مدارس عربی بگذارند.^{۶۳} تا اواخر سال ۳۹ میرزاعباس ایرانی از اجرای این دستورات سر باز زد و مدرسه را به صورت خودمختار اداره کرد.^{۶۴}

عملکرد مدرسه در سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۰

حکومت بحرین که از سال ۳۹ درصدد برآمده بود که به وسائل مسالمت‌آمیز و با دادن امتیازات، مدرسه ایرانیان را در اختیار خود درآورد، چون در این کار موفق نشد با صدور دستور جدیدی درصدد عملی کردن منظور خود شد.^{۶۵} برابر دستور جدید «از اول نوامبر سال ۱۹۶۱ م قانونی به نام قانون مدارس خصوصی و اصلاحات عمومی توسط شیخ سلمان حاکم قبلی بحرین تدوین و به موقع اجرا گذاشته شد که بر طبق برخی از مواد آن بایستی از ساعات دروس فارسی کسر و به جای تاریخ و جغرافیای فارسی، تاریخ و جغرافیای بحرین به زبان عربی تدریس گردد. طبق این قوانین کسانی که برای بار اول از دستورات سرپیچی کنند ابتدا ۱۰۰۰ روپیه و بار دوم ۲۰۰۰ روپیه جریمه و برای بار سوم به دادگاه‌های صالحه معرفی خواهند شد. منظور از تدوین این قانون صرفاً جلوگیری از فعالیت مدارس ایرانی در بحرین و از بین بردن آثار و محو زبان فارسی است».^{۶۶}

در بحرین به جز دبستان اتحاد ملی ایرانیان، مدارس خارجی دیگری مانند دبستان انات مرسلین آمریکایی، دبستان مختلط مسیحی، دبستان مختلط هندوها، دبستان مختلط مسلمانان پاکستانی و دبستان مختلط مختص کودکان انگلیسی، آمریکایی و اروپایی که والدینشان در شرکت نفت مشغول به کار بودند، وجود داشت که البته هیچ‌گونه فشاری بر آنها وارد نمی‌شد و

اصولاً قانون جدید شامل آنها نمی‌شد. این قانون که به صلاح‌دید دولت انگلیس وضع شده بود، ظاهراً برای کلیه مدارس غیرحکومتی ولی در واقع فقط برای دبستان ایرانیان بود؛^{۶۸} تا یا دبستان را تعطیل کرده یا آن را کاملاً مطابق قانون جدید درآورند.^{۶۹}

مستولان دبستان به محض اطلاع از قانون مزبور، فوراً اداره فرهنگ بوشهر را در جریان موقوف قرار دادند.^{۷۰} «وزارت فرهنگ نیز برای جلوگیری از این عمل مراتب را به ساواک و وزارت امور خارجه اطلاع و کمیسیون به منظور بررسی این موضوع و نحوه کمک مالی به مدرسه بحرین تشکیل و متأسفانه اعضاء کمیسیون بجای اینکه راه حل مناسبی جهت بهبود وضع مدرسه و کمک مالی اتخاذ کنند. کمیسیون تنها راه حل را مذاکرات غیررسمی از طرف وزارت امور خارجه با مقامات رسمی انگلیس دانسته و واگذاری اعتبار را به مدرسه به دلیل این که چون رئیس مدرسه بحرین به علت ترس از مقامات بحرینی حاضر نیست برای هزینه‌های مربوطه کمیسیون نظارت در بحرین تشکیل دهد نباید کمک مالی به او بشود»^{۷۱}

مستولان مدرسه که منتظر اقدامات و دستورات اداره فرهنگ بوشهر بودند، تا آغاز فروردین ۴۱ به هر صورت اجرای قانون مزبور را به تعویق انداختند.^{۷۲} اما با توجه به این که در جلسات تشکیل شده در رابطه با این موضوع در اداره فرهنگ بالا رفتن بودجه مدرسه تا ۱۳۰۰۰ ریال برای استخدام تعدادی آموزگار عربی تصویب نشد و حکومت بحرین نیز حاضر به پرداخت حقوق آموزگاران عرب زبان نبود، به پیشنهاد مدیر مدرسه، او و سه نفر از آموزگاران دیگر در پایان سال تحصیلی ۴۱-۴۰ به تدریس عربی البته در ظاهر مشغول شدند و بدین گونه بازرس اداره فرهنگ بحرین را قانع کردند که قانون جدید را در مدرسه جاری ساخته‌اند.^{۷۳}

عملکرد مدرسه در سال‌های ۱۳۴۳-۱۳۴۲

تا اواخر سال ۴۲ مشکلات مدرسه اتحاد عموماً کمافی السابق کمبود بودجه و نرسیدن به موقع و ماهانه کمک به مدرسه برای پرداخت حقوق آموزگاران بود؛ که حالا به دلیل اجرای قانون ۱۹۶۱م از هشت نفر به بیست نفر افزایش یافته بودند.^{۷۴}

در ۲۵ اسفند سال ۴۲ هیأتی از بازرسان اداره معارف بحرین به ریاست یک نفر مصری در ظاهر برای بازرسی به مدرسه آمدند. این افراد پس از مشاهده کتب تاریخ و جغرافیای فارسی کلاس پنجم و ششم اعلام داشتند «این کتب برای اینجا گمراه‌کننده است و بچه‌های این دبستان [را که] همه متولد اینجا هستند ایرانی بار می‌آورد و این خلاف قوانین اینجاست و ضمناً در این کتاب، مقصود جغرافیای کلاس ششم است، چند جا نام خلیج فارس نوشته شده در صورتی که باید نام آن خلیج... باشد و بحرین را به رنگ ایران رنگ کرده‌اند، همچنان نقشه ایران که در اداره

بررسی عملکرد مدرسه اتحاد ملی ایرانیان در بحرین...



عکس دیگری از سال‌های اولیه تشکیل مدرسه ایرانیان بحرین

دبستان نصب بود ایراد زیاد گرفته که این نقشه نباید این‌جا باشد». این افراد مجدداً در ۵ فروردین ۴۳ به مدرسه بازگشتند و پس از برداشتن کتب تاریخ و جغرافیا و نقشه ایران اعلام کردند باید از نقشه عالم عربی و کتب تاریخ و جغرافیای عربی برای تدریس استفاده شود.^{۷۴}

در ۱۰ صبح چهارشنبه ۲۶ فروردین ۴۳ ضمن جلسه‌ای که با حضور وزرای فرهنگ، امور خارجه، کشور، نماینده ساواک، رئیس اداره روابط فرهنگی و همکاری‌های بین‌المللی و... برای رسیدگی به امور فرهنگی ایران در بحرین و دوی تشکیلی گردید، در مورد مشکلات مدرسه صحبت و تبادل نظر شد. در این جلسه درباره عمده‌ترین مشکل مدرسه که نرسیدن به موقع بودجه و کمک مالی به آن بود، پیشنهاد شد که امور مالی، اداری، فرهنگی مدرسه زیر نظر سفارت ایران در کویت قرار گیرد و بودجه مدرسه سه ماه به سه ماه به سفارت ایران در کویت حواله شود. ضمناً افزایش بودجه مدرسه موکول به زمانی شد که آقای ایرانی در خردادماه به ایران مسافرت کند تا گفتگو و مشورت با وی صورت پذیرد.^{۷۵} عباس ایرانی ضمن مخالفت با تصمیم شورا عنوان می‌داشت: «سال‌های دراز است با همه مشکلاتی که حکومت بحرین برای مدرسه ایرانیان فراهم می‌آورده توانسته است به نام این که مدرسه مزبور (موقوفه) معین‌التجار بوشهری است مقرری ماهانه آن را بدون هیچ‌گونه دردسر و با پوشش بسیار محکمی از فرهنگ بوشهر دریافت و به کادر آن پرداخته و مقامات حکومتی بحرین تاکنون نتوانسته‌اند پی ببرند که این بودجه از فرهنگ و یا از سایر مقامات دولت ایران است و اینکه که موضوع حواله و پرداخت آن به سفارت ایران در کویت واگذار شده نه تنها رازی که سال‌های دراز از مقامات حکومت بحرین پنهان مانده مکشوف خواهد شد، بلکه برای حواله آن از کویت و دریافت آن در بحرین مشکل بزرگی فراهم آورده است که در نتیجه جز اطلاع حکومت بحرین از آن موضوع و بستن درب مدرسه حاصلی دیگر دربر نخواهد داشت».^{۷۶} علاوه بر این هیچ‌کس در کویت حاضر نبود در این کار مداخله کند و همه ترس داشتند.^{۷۷}

در تاریخ ۴۳/۷/۸ شیخ محمد، رئیس شرطه و امن‌العام بحرین، که برادر شیخ عیسی حاکم بحرین هم بود، بدون اطلاع قبلی به دبستان می‌رود و سئوالاتی از این قبیل از مدیر و سرپرست مدرسه می‌پرسد: «پول از ایران برای شما می‌آید؟ مدیر جواب داده بله ماهی پنج هزار ریال از اوقاف ایران برای ما حواله می‌شود نه از دولت ایران. شیخ نامبرده اظهار داشته که مگر ایران اوقاف هم دارد؟ ضمناً درباره تعداد محصلین سئوالاتی نموده و در جواب گفته است که ۱۸۰ محصل زیاد است و شما جا ندارید. شیخ محمد سئوال کرده که این شاگردان ایرانی هستند مدیر پاسخ داده ایرانی بحرینی هستند شیخ محمد گفته یعنی تماماً دارای جواز هستند». فردای آن روز بازرسی از اداره معارف به دبستان می‌آید و تعداد ۷۰۰ جلد کتاب عربی طی نامه‌ای

تحويل داده و پس از اخذ رسید، اخطاریه [ای] بدین مضمون که دبستان موظف است از این به بعد تاریخ و جغرافیای ممالک عربی تدریس کند و تدریس تاریخ و جغرافیای فارسی ممنوع است، تحويل داد.^{۷۸} «آقای عباس ایرانی و مدیر دبستان اسدالله اسیری، برای جلوگیری از اقدامات فرهنگ بحرین با رئیس فرهنگ ملاقات و وی را متقاعد نموده‌اند که این مدرسه بیش از نیم قرن می‌باشد که در این‌جا وجود دارد و به خدمت فرهنگ مشغول و در کارهای علیه حکومت و سیاست دخالتی نداشته است. این اقدام سرپرست و مدیر دبستان مؤثر واقع شده و اولیاء فرهنگ بحرین که مسلماً تحت تأثیر عوامل مصری بوده‌اند جداً خواستار عدم تدریس تاریخ و جغرافیای ایران به زبان فارسی گردیده‌اند که معلمین مدرسه برای این که این پایگاه زبان فارسی به دلائل فوق بسته نشود قبول می‌نمایند چند نفر معلم ایرانی‌الاصل که دارای تحصیلات عربی هستند استخدام که ظاهراً جغرافیای عربی تدریس ولی در باطن و بدون اطلاع مقامات فرهنگ بحرین و معلمین مصری تاریخ و جغرافیای فارسی را به دانش‌آموزان تدریس می‌نمایند.»^{۷۹}

عملکرد مدرسه در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۴

در سال ۴۴ نیز مشکلاتی مانند تعویق و نرسیدن حقوق معلمین، کمبود بودجه، کمبود آموزگار، کمبود حقوق معلمین، فرسودگی ساختمان مدرسه و... کماکان گریبانگیر مدرسه و اولیای آن بود. مدیر و صاحب امتیاز مدرسه بارها و بارها ضمن مکاتباتی این کمبودها را به گوش اولیای امور رسانیدند.^{۸۰}

سرانجام در سال ۴۵ عباس ایرانی، که سال‌ها بود از ترس مقامات حکومت بحرین حاضر به آمدن به ایران نبود، در ظاهر به قصد معالجه راهی شیراز و سپس تهران شد.^{۸۱} او در تهران در ملاقات با دکتر شریفی و دکتر پناهی در وزارت آموزش و پرورش مشکلات مدرسه را عنوان کرد و درخواست نمود مشکلات وی را از لحاظ کمک هزینه و ساختمان مدرسه برطرف کنند. وی همچنین عنوان داشت به علت رأی سازمان یونسکو که نماینده ایران جلسه آن را ترک نمود، استنباط می‌شود فشار تازه‌ای به ایرانیان مقیم بحرین و به خصوص عوامل مدرسه وارد شود. وی سپس پیشنهاد می‌کند با تشکیل یک هیأت مدیره از ایرانیان وطن‌پرست مقیم بحرین، دولت بحرین دیگر نمی‌تواند نسبت به یک نفر تحت عنوان رئیس مدرسه فشار بیاورد.^{۸۲} وزارت آموزش و پرورش هم ضمن یک کمیسیون با حضور نماینده ساواک تصمیم می‌گیرد اقدامات جدی در این خصوص انجام دهد. ضمناً در مورد احداث ساختمان جدید مدرسه نیز تصمیم گرفته شد که با مساعدت عبدالنبی ایرانی به عنوان رابط دو طرف این امر صورت پذیرد.^{۸۳} اواخر سال ۴۵ مجدداً

دو نفر از بازرسان فرهنگ بحرین به مدرسه مراجعه و اعلام کردند «چون محیط عربی است هنوز بیشتر دروس فارسی می‌باشد و بایستی بعضی از دروس را به عربی تدریس کنند. ساعات تدریس زبان انگلیسی را بایستی افزایش دهند. در پاسخ اظهارات آقای اسیری (که گفته است مدرسه نیم قرن پیش که تأسیس شده فارسی بوده و اکنون بالاجبار در اجرای مقررات برنامه تدریس فرهنگ بحرین بعضی از دروس را به عربی تدریس می‌کنند) بازرسان مزبور اظهار داشته‌اند در صورتی که برای آنان ثابت شود مدرسه فارسی است آن را تعطیل خواهند کرد. آقای اسیری اظهار نموده که منظور بازرسان جز بهانه چیز دیگری نبوده و در نظر دارند مدرسه را به هر نحوی که شده تعطیل نمایند.»^{۸۴}

عملکرد مدرسه در سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۴۶

در تاریخ ۱/۶/۶۷ روزنامه اطلاعات آگهی مجلس ترحیم درگذشت آقای عباس ایرانی فرزند سیدابوالقاسم شیرازی در بحرین را منتشر کرد. این حادثه ناگوار که در آبان ۴۶ رخ داده بود از چند جهت برای مدرسه مشکلاتی را به بار آورد. مهمترین مشکل، انتخاب فردی شایسته بود که به جای میرزاعباس ایرانی مدرسه را اداره نماید.^{۸۵} مسئولان اداره ساواک و وزارت آموزش و پرورش، عبدالمجید ایرانی فرزند مرحوم عباس ایرانی را به جهت این که دارای امکانات مالی خوبی بود و همچنین پدرش سالیان طولانی در حفظ و اعتلای دبستان مذکور زحماتی را متحمل شده بود، به عنوان جانشین و صاحب امتیاز مدرسه در نظر گرفتند؛ اما از آنجایی که وی مایل به قبول این مسئولیت نبود، قرار شد اسدالله اسیری، مدیر مدرسه، به بوشهر فراخوانده شود تا ترتیب واگذاری امتیاز مدرسه به نام وی داده شود و همچنین از عده‌ای از ایرانیان مقیم بحرین دعوت شود تا از میان آنان عده‌ای انتخاب و به عنوان هیأت امنای مدرسه تعیین گردند.^{۸۷}

در ۱۲/۶/۶۷ مصطفی صبحی، رئیس بازرسان مصری فرهنگ بحرین، مجدداً به مدرسه رفت و ضمن بازدید از مدرسه اعلام کرد فرهنگ بحرین درصدد است سه تن از آموزگاران خود را برای تدریس در اختیار مدرسه قرار دهد ضمناً حقوق این آموزگاران را دولت بحرین پرداخت خواهد کرد.^{۸۸} مسئولان مدرسه ضمن گزارش به مقامات مسئول عنوان می‌دارند [علاوه بر] «فشار اداره فرهنگ بحرین مبنی بر دخالت روزافزون آنها و محدود کردن زبان فارسی و افزایش دروس عربی، ضمناً اداره فرهنگ بحرین در نظر دارد که در سال آینده سه نفر از معلمان عرب را جهت تدریس زبان عربی به دبستان مذکور اعزام دارد».^{۸۹}

مشکل دیگری که بعد از فوت مرحوم ایرانی گریبانگیر مدرسه شده بود، پرداخت نشدن حقوق آموزگاران بود. اداره دارایی به بهانه این که وجه مزبور باید به ورثه عباس ایرانی پرداخت

گردد و این عمل مستلزم تهیه انحصار وراثت و سایر تشریفات قانونی است، از پرداخت سر باز زده بود. عبدالمجید ایرانی این مبلغ را از درآمد شخصی خود پرداخت کرده بود، اما در فروردین سال ۴۷ وی عنوان کرد بیش از این توان پرداخت حقوق معلمان را ندارد و ادامه این روند باعث تعطیلی مدرسه به علت پرداخت نشدن حقوق آموزگاران خواهد شد.^{۹۰} از طرف دیگر ساختمان مدرسه به قدری خراب شده بود که در سال تحصیلی جدید قابل استفاده نبود و نیاز مبرمی به تعمیرات داشت. این تعمیرات هم هزینه زیادی دربر داشت و نیاز به مساعدت مالی آموزش و پرورش بود.^{۹۱} در ۲۱/۱/۴۷ آموزش و پرورش به اداره دارائی بوشهر دستور پرداخت حقوق معلمان را صادر کرد و مبلغ مذکور از اداره دارائی اخذ و به آقای عبدالنبی ایرانی نماینده مرحوم ایرانی تحویل داده شد تا به آقای عبدالمجید ایرانی ارسال کند.^{۹۲}

در تاریخ ۲۲/۳/۴۷ آقای اسیری وارد بوشهر شد و ضمن مذاکره با آقای مستوفی ترتیب واگذاری امتیاز مدرسه به نام وی داده شد.^{۹۳} در تاریخ ۹/۴/۴۷ آقای اسیری به تهران حرکت کرد. قرار بود وی در ضمن جلسه‌ای با نمایندگان ساواک، آقای مستوفی مدیر آموزش و پرورش بوشهر، نمایندگان آموزش و پرورش و حتی سازمان برنامه و... در مورد رفع اشکالات مدرسه تبادل نظر کنند تا در سال تحصیلی ۴۸-۴۷ مدرسه با برنامه شروع به کار کند.^{۹۴} در کمیسیونی که با شرکت آقای مستوفی، اسیری و نماینده ساواک و آموزش و پرورش در مرکز تشکیل گردید. در آن کمیسیون ضمن اعلام نواقص مدرسه و مذاکرات لازم در آن باب، کلیه پیشنهادهای برای رفع نواقص، تعمیر و توسعه مدرسه، اضافه حقوق و رسمی نمودن آموزگاران، دریافت حقوق بازنشستگی آموزگاران قدیمی و استخدام تعدادی نیروی جدید برای جلوگیری از آمدن آموزگاران از فرهنگ بحرین تأیید شد.^{۹۵} همچنین چهارده نفر از ایرانیان مقیم بحرین معرفی شدند تا پس از تحقیق در مورد آنان از میان آنان هیأت مدیره دبستان انتخاب گردند.^{۹۶} «در مورخه ۲/۱۱/۴۷ اجازه تجدید بنای دبستان اتحاد بحرین از حکومت بحرین اخذ گردیده و نقشه جدید ساختمان بین چند پیمانکار به مناقصه داده شد. در ۴/۱۱/۴۷ اولین جلسه با حضور اعضای نظارت که جهت همکاری و همفکری در نظر گرفته شده، تشکیل گردید و آقای سیکار به صندوقداری برگزیده شده‌اند. سایر اعضا - خوشابی، خنجی، پدر، جواهری، اصغر برادران، اسیری که عده آنها هشت نفر می‌باشد و قرار شده که حسابی در بانک بحرین باز کنند و جوهی که برای آنها ارسال می‌شود و یا این که جمع‌آوری می‌نمایند در بانک مذکور واریز گردد. در جلسه مذکور راجع به تجدید ساختمان بنای مدرسه مذاکراتی صورت گرفت و اعضاء فوق‌الذکر تصویب نمودند».^{۹۷} همچنین ساواک تضمین کرد و سایل موردنیاز مدرسه منجمله صندلی، یخچال، اجاق گاز، کولر گازی، آب گرم‌کن، آب سردکن، میز تحریر، میز شورا و... را از طریق شرکت‌های سازنده آنها به طور رایگان در اختیار مدرسه قرار دهد.^{۹۸}

پایان سخن

مدرسه اتحاد ملی تا سال‌ها بعد با تلاش و مساعدت‌های ایرانیان وطن‌خواه مقیم بحرین به ترویج زبان و فرهنگ فارسی در این پاره جدا افتاده از خاک و وطن مشغول بود. پس از استقلال بحرین و جدایی رسمی آن از ایران و عضویتش در سازمان ملل به عنوان یک کشور مستقل و به رسمیت شناخته شدنش در همان روز اعلام استقلال از سوی حکومت پهلوی، مدرسه اتحاد ملی نیز زیر نظر سفارت ایران در بحرین قرار گرفت؛ و چون بعد از استقلال کامل بحرین، وجود مدرسه اتحاد ملی توجیهی نداشت، از آن مدرسه به عنوان مدرسه آموزش فرزندان کارمندان سفارت ایران و متخصصان ایرانی مقیم آن کشور استفاده می‌شد. اما با کاهش روزافزون سطح روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میان ایران و بحرین، سرانجام در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۸، در وزارت امور خارجه تصویب شد که مدرسه سفارت جمهوری اسلامی ایران در بحرین «مدرسه اتحاد ملی» را با رعایت قوانین و مقررات به فروش رسانده و وجوه حاصل را به خزانه واریز نماید.^{۹۹} این پایان کار «مدرسه اتحاد ملی» بود.

پانوشتها

- ۱- سدیداالسلطنه، محمدعلی، تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، تصحیح احمد اقتداری، نشر دنیای کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰، صص ۴۷۷-۴۷۶.
- ۲- وثوقی، محمدباقر، تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس، دانشنامه فارس، تهران، ۱۳۸۱، صص ۳۱۷-۳۰۹، بهمنی قاجار، محمدعلی، تمامیت ارضی ایران، ج ۱، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳، تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، صص ۴۴۵ و ۴۷۷.
- ۳- بحرین از دوران هخامنشی تا زمان حال، وزارت امور خارجه، اداره نهم سیاسی، ۱۳۴۸، ص ۵۳، منتظم ناصری، ج ۲، ص ۱۱۵، نشات، صادق، تاریخ سیاسی خلیج فارس، شرکت نسبی کانون کتاب، بی‌جا، بی‌تا، ص ۴۶۹، عالم‌آرای عباسی، ص ۶۸۹، فزونی استرآبادی، محمد، بحیره، تهران، ص ۵۸۶، بلان، لوسین لوئی، زندگی شاه‌عباس، ترجمه ولی‌الله شادان، اساطیر، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۴۸-۱۴۷.
- ۴- تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، ص ۴۴۸.
- ۵- بحرین از دوران هخامنشی تا زمان حال، صص ۵۷-۵۶.
- ۶- بحرین از دوران هخامنشی تا زمان حال، صص ۶۱-۶۰، تمامیت ارضی ایران، ص ۱۱۵.
- ۷- بحرین از دوران هخامنشی تا زمان حال، ص ۶۲، مفاتیح‌الادب، ص ۶، تاریخ سیاسی خلیج فارس، ص ۴۷۱، لرد کرزن، لوید جرج، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ترجمه وحید مازندرانی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۸۰، ص ۲۳۲، تمامیت ارضی ایران، ص ۱۱۷.
- ۸- تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، صص ۴۷۸-۴۷۶.
- ۹- بحرین از دوران هخامنشی تا زمان حال، ص ۶۶، صادق نشات، ص ۴۶۱، گزیده اسناد خلیج فارس، ج ۱، ص ۱۰۲.
- ۱۰- تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، ص ۴۷۸، بحرین از دوران...، صص ۷۱-۶۸.
- ۱۱- زرین‌قلم، علی، سرزمین بحرین از دوران باستان تا امروز، سیروس، تهران ۱۳۳۷، ص ۱۱۵، تاریخ سیاسی خلیج فارس،

بررسی عملکرد مدرسه اتحاد ملی ایرانیان در بحرین...

- صص ۴۶۳-۴۶۱، تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، ص ۴۷۸.
- ۱۲- قائم‌مقامی، جهانگیر، بحرین و مسائل خلیج فارس، طهوری، تهران، ۱۳۴۱، صص ۱۱۸-۱۱۶، تاریخ سیاسی خلیج فارس، ص ۴۷۳، مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، صص ۱۵۰-۱۴۵، تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، صص ۴۷۹-۴۷۸، بحرین از دوران هخامنشی تا زمان حال، ص ۹۴، گزیده اسناد خلیج فارس، ج ۱، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۲۱.
- ۱۳- تاریخ سیاسی خلیج فارس، ص ۴۶۳، تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، ص ۴۸۲.
- ۱۴- تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، ص ۴۸۲ به نقل از خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ، بنجامین شوادران، ترجمه عبدالحسین شریفیان، ص ۳۴۸ و طلوعی، محمود، نبرد قدرت‌ها در خلیج فارس، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۲۲.
- ۱۵- تاریخ سیاسی خلیج فارس، صص ۴۶۴-۴۶۳.
- ۱۶- تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، ص ۴۸۲.
- ۱۷- تاریخ سیاسی خلیج فارس، ص ۴۶۴، تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، ص ۴۸۲.
- ۱۸- اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پرونده، ۶۷۰۳۴، سند شماره ۱۳۰.
- ۱۹- رزمجو، علی اکبر، حزب پان‌ایرانیسم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۴۵.
- ۲۰- بختیاری، شهلا، حزب پان‌ایرانیسم به روایت اسناد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۵، صص ۷۲-۷۰، حزب پان‌ایرانیسم، صص ۴۷-۴۵، تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، ص ۴۸۴-۴۸۳.
- ۲۱- اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پرونده ۱۶۱۶۳۴، سند ۹۰.
- ۲۲- پرونده ۶۷۰۶۴، جلد سوم، سند ۸۰.
- ۲۳- پرونده ۱۶۱۶۳، جلد چهارم، سند ۹۲.
- ۲۴- پرونده ۶۷۰۳۴، جلد اول، سند ۷۴.
- ۲۵- همان، سند ۷۱.
- ۲۶- همان، سند ۵۱.
- ۲۷- همان، سند ۴۸.
- ۲۸- سند ۴۲-۳۹.
- ۲۹- سند ۳۷-۳۵.
- ۳۰- سند ۳۵.
- ۳۱- سند ۳۱.
- ۳۲- سند ۲۸.
- ۳۳- سند ۲۷.
- ۳۴- سند ۲۶.
- ۳۵- سند ۲۵-۲۴.
- ۳۶- سند ۲۱.
- ۳۷- سند ۱۳.
- ۳۸- سند ۱۱.
- ۳۹- سند ۹-۷.
- ۴۰- سند ۶.
- ۴۱- پرونده جلد سوم، سند ۳۰۲.
- ۴۲- پرونده ۱۶۱۶۳، جلد چهارم، سند ۴.
- ۴۳- پرونده ۶۷۰۳۴۰، جلد سوم، سند ۳۱۱.
- ۴۴- همان، سند ۳۰۹.
- ۴۵- سند ۳۱۲.

فہرست مطالعات تاریخ

- ۴۶- سند ۳۰۱.
- ۴۷- سند ۳۱۰.
- ۴۸- سند ۳۰۹.
- ۴۹- سند ۳۰۵.
- ۵۰- سند ۲۹۹.
- ۵۱- سند ۲۸۹-۲۹۰.
- ۵۲- سند ۲۸۸.
- ۵۳- سند ۲۸۷.
- ۵۴- سند ۲۶۹.
- ۵۵- سند ۲۸۴-۲۸۲.
- ۵۶- سند ۲۷۰.
- ۵۷- سند ۲۶۵.
- ۵۸- سند ۲۵۸.
- ۶۶- سند ۱۹۰.
- ۵۹- سند ۱۹۶.
- ۶۰- سند ۱۹۹-۱۹۷.
- ۶۱- سند ۲۳۲.
- ۶۲- سند ۲۳۱.
- ۶۳- سند ۱۸۹.
- ۶۴- سند ۱۸۵.
- ۶۵- سند ۱۳۴.
- ۶۶- سند ۸۴ و ۱۱۳.
- ۶۷- سند ۵۸.
- ۶۸- سند ۱۱۵ و ۱۴۳-۱۵۰.
- ۶۹- سند ۵۸.
- ۷۰- سند ۳۱-۳۰ و ر.ک بہ سند ۷۶-۷۵.
- ۷۱- سند ۶۱-۵۸.
- ۷۲- همان.
- ۷۳- سند ۸۴.
- ۷۴- پروندہ ۶۷۰۳۴۰، جلد اول، سند ۱۸۴-۱۸۳.
- ۷۵- سند ۱۹۳-۱۹۱.
- ۷۶- سند ۱۵۷-۱۵۶.
- ۷۷- سند ۱۵۲.
- ۷۸- سند ۱۵۰-۱۴۸.
- ۷۹- سند ۱۳۱-۱۳۰.
- ۸۰- سند ۱۱۹-۱۱۱.
- ۸۱- سند ۷۵-۷۲.
- ۸۲- سند ۶۱.
- ۸۳- سند ۵۴.
- ۸۴- سند ۵۰.
- ۸۵- پروندہ ۶۷۰۳۴۰، جلد دوم، سند ۲۱۰-۲۰۹ و ۱۷۷ و ۳۳ و پروندہ ۶۷۰۳۴۰، جلد اول، سند ۲.

بررسی عملکرد مدرسه اتحاد ملی ایرانیان در بحرین...

۸۶- پرونده ۶۷۰۳۴۰، جلد دوم، سند و ۱۷۳-۱۷۰ و ۱۹۴ و ۱۸۸.

۸۷- سند ۱۷۸-۱۷۰.

۸۸- پرونده ۶۷۰۳۴۰، جلد اول، سند ۲۳ و ۱.

۸۹- پرونده ۶۷۰۳۴۰، جلد دوم، سند ۱۱۹.

۹۰- سند ۱۴۴.

۹۱- سند ۱۱۹ و ۱۵۶.

۹۲- سند ۱۲۶ و ۱۳۴ و ۱۴۵-۱۴۴.

۹۳- سند ۱۰۷ و ۱۱۷.

۹۴- سند ۱۱۸.

۹۵- سند ۱۰۹-۱۰۲.

۹۶- سند ۹۷-۹۴.

۹۷- سند ۵۵-۵۳.

۹۸- سند ۶ و ۱۳ و ۲۶ و ۴۶ و ۹۴.

۹۹- سایت مجلس شورای اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی